

دیوید بارلتی بازپرس پلیس وقتی از محل هشتمین قتل جنایتهای زنجیره ای برگشت به خبرنگاران گفت: من راز قتلها را کشف کرده ام، اما فعلاً چیزی به شما نمی گویم تا قاتل فرار نکند. مطمئن باشید فردا آن زن جوان جنایتکار را پیدا می کنم. بعد هم به اصرار خبرنگاران برای فاش کردن راز جنایت توجه نکرد و به خانه برگشت.

در راه خانه با خودش گفت: فردا صبح وقتی با کت و کلاه قرمز توی خیابانها راه بروم، آن زن دیوانه را که قاتل مردانی با کت و کلاه قرمز است خواهم شناخت.

فردا صبح جسد بازرس بارلتی را در خانه اش یافتند، در حالی که زنش با یک ساطور بالای جنازه دیوید که کلاه و کت قرمز داشت نشسته بود.